۱ شنبه ۲۰ برج حوت ۱۳۰۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول ؛ داور نماینده دارالشو رای ملی ندنتجه اول

صفحه دوم بر سوم

مقحه جهارم

. . محل اداره : طهران خبابان علاء الدو له

ت در آن قطمانی از عالم که شاید

قدرت ناعلقه أزشمر اشان مدد تميخواهد

ولى چندين برابر تام ماليات أيران

بمصرف مريضغانه ها و دارالمجزه ها

شان میرد در آن حدودی که لبته در

غزل سازی به شاطر عباس قمی ماهم

نمیر سند اما در تو پ سازی از ما

قدری پیش افتاده اند

و آن نواحی آناد ایک که عقب

ا، انی خرابه نشین از تماشاسی، ان آبه

دُو ارْ میافتد 🕳 در ان مما لك از خا

بهار ان 🕳 همچو قهمده اند که بنی

سواد فلاح لایق و کارکر حسا بی

نخواهد شد 🕳 ملت جاهل ادرؤزيه

درد حالي ميخورد وبي - ديابه

غرور وطنيش خواهد خنديد ودي يأ

زود خانه اش را میرف او اهدکر ده

﴾ و احيث اينكه ذلت كربها شان، را

كيرد ان ملل با فكر بك اخترا على

کردند: مدر ـ ه و رسید در د

در هر قریه و قصبه و دری مدر عه

مِاز کردند و به تمامر افراد مردم ار

دادند : اطفالتا فرا بدهید تا ادم

لبادي ا

معبت از جهل و شش سال قبل

است پر به نودو هفت هزاد معلم درمدارس

وابتدائي ژايون با اطفال سر و کله مي

أ بيست و حملت سال كذشت .

کشتی (می کازا) مامور درکت شده

شب است. امواج در تاریکی هیاهو

ميكنيد و المراجعة الم

أ يلك نفراً در أطاق خودش اكت

ایساده سے صاحب منصب هار دسته

دسته محضو رشي مبرسند - نهر

مّا مبمنصبي بي مُعدا جواب مالامي

ه هد وبا انکشت بیك با لشی آشاره

مي گند - روى بالش بك خنجري

برق میزنده همین اشارهکایی است

برای فهم این یك اشاره نود

ما د داشت پومنیه

۱۹ حوت

العصبوطني در ژاپون بېشتر نتېجه كوشش معلمهن بهست وهفت هزار مدرسة أبدائي آن مملكت است دهمان او قائی که روشن فکرهای ژاپوئی در یای نخت ها ـ کار خانه ها و قورخا ناهای اروپالبامنتهای فرو انی و املق مشغول کسب معلو مات بو د ند ـ معلمبن بتو ده مات زايون هميجو مي فهما نه ند كه نجب ارين ششجاع لرین 🚄 با دکا وت ر لرین مات دنها براثت م

اً و دو بودجه ممارف بمجلس امد-جزء اول ان كذشت فر دانست مدا رس مُعارِح میشود و

🎳 این بو دجه سر شخت و انتانها فاره ا سه وزیر ممارف هر کدام چندین بار 🛶 بان و ر ر فته اند 🔹 و کسیون بودجه ان وا مکرر تانین و الا ر وده ورسواف صحبت ها شد ہے گستگی ما ور کرت = مر ما أييش أمد و برأي اطر ال بعضي علم ا سیاه بلند کردند د. این خوش مزکی عدم ني را با ان چپ آنداخت 🗕 بي نوا بوهجه دوچار خطر شد = بالاخراه لمن از چهارده ماه إمد و شد و شخت شری امروز به مجلس ملنی مد .

سر ان قوم بممار ف دارند غير از اين بایستی انتظار داشت. ما هم جز این منتظر بود.مر-

بالنحمه عشقی که علی الرسم - تمامر

ما مم جز این منظر بودیر--ولی . . . و رست ایسان است. أز كذشته بكذربم اغرض وشتن

تاریخ نیست مقصود صحبت از مارق است و المناه المناه

ر آن مالکی که میدانند زندگی شوخی بر نمیدار د

باید کار کرد - جنس بیرونداد متاع گرفت

ی در ان نقامای که خیال میکنند هر قدر معصولات فلاحتى و صنعتى بك ملتى مرغوب تر-ارزان أر = بيشتر شد بهدان اندازه - آ سایش - عزت استقلال آن ملت عم بیشتر از سایرین

و هفت هزار مملم سال ها کا رکرده أند - حمه فهميده الد اليرا لبحر

311197

در جنك بحرى با روسيه إبالد

رفند = فتح شدند.

و يُذْجِاهُ هُوْ ارْ أَشْلُمْ وْ أَمْعَلُّمْ - مُدَارُّنَّ و الضای اداری ممارف با ز شغول ادم سازی مسنده به ژائیونی ها كار ميكنند 🗕 ادم ميشوند

رات ورغارجه

رَّدُ أَيْتُمْنَهَادُ أَمُّهَا هُدُمُ أَلُو فِي إِنْ المرافات حارجه دو رور احبر كرده است كه طررح معاهده لوزان

آست : ا به عثمانی اخطار کنند

المخون المامعالم امزوز از جنك لنفر

مَمَا لِكَ وَارُومًا ۚ إِينَ مُسَمِّلُهِ رَالِ بِكُـٰذَارِدٍ. ﴿ أَزُ طَرَفُ دَالِكُمْ وَلُو اللَّهُ طَارَحَ

فتح کد یا باید مرد ه

الله الله الله الله الله الله عبد الله عبد

Chipman & A & Santa & مناكل العر الواهيم شد ال

مده ر بو د که مجلس ملی آنقوم اعلام وَا لِي قَدُولَ وَيَعْتُ وَلِي دُرُ عَنْ حَالَ لِهُ دُولَتُ عَتْمًا نَى الْحِارَةُ دَادَهُ السَّامَادُ الْكُرَاتُ وإجم إه صلح وا لعقب كند ه ﴿

المنه در خاطر دارید که احتلاف نظر فين منفقين و عثما ني فقط در سُر بعضى أز فضايا بود و در منا لل ديكر نوا فق نظر حامل شده بود ، اكنون آنقره نه فقط آن موادی را که عصمت ياشا وقمول ولكردة الودارد مي كفد اللكم آن ها أي را أنبل كه أما ينده عنما أي قَمُولُ نَمُودُهُ بُؤُدِ قَا بِلَ قَمُولُ نَمْيُ دَانَدِ متفقین کے اُبرای حجل موافقت عصابت ياشا -كذفت هيائي بزوك بأكرة تعالى ا حال که نمام این مواد از طرف عنمانی رد شده دو طریق برای متفقین در پېش

كه رُدُ بِبِشْهُهَا دُ أَمْعَاهَدُهُ بِمِنْزُلُهُ بِهُمْ زُدُنْ مناركه جنك اشت ويعد شروع به مخاصمه

﴿ ﴿ ﴿ مِا قُرار داد مِنارِكُم حِنكُ را ادامه داده مذا كرات را از أو، آعاز The basis

دارانه وطها شقى دوم صورت خواهما كرفت . مذّا كوات را از سر شروع. خواهند كرد . والى آيا اجازه خواهند داد عثما الى أحد كه در جنك أبين المللي مناوب شده اراره خود را بر آن ها الحميل وكند ؟ ين الدوال ال

ر ب کمان نمی رود رافکار عمو می

THE REAL PROPERTY OF THE PARTY

يوم.___ه ۲۲ رجب المرجب ۱۲٤۱ (۱۱) مادس ۲۹ ۱۹

این و روز نامه بدون نقامنای کتبی برای کسی ادسال نمبدو د

مالیا اه د اخله می بران داخله می اران

ر من الله شماره المال ما ع شاهي است

خارجه اجرت بست

جدیدی پیشنهاد شود

الله عنما لي نعى الوائد الدول موافقت

رُوْسَمُهُ آنُ رَا قَبُولُ يَا رَدُّ كَنْدُ مُ بِنَا

بر این آنها و سبله راضی کردن عنمانی

الله الزُّ أَخُو دَاخِتْمِارِ أَنْدَارُ ذُرُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

كه مُمَّا لِل مُختلف فَبِهِ أَا بِا رَوْسَتُهُمْ أَصْفَبُهُ

كنند زيراً رُوسُبُهُ عاملًا مؤتر صلح ألت

رُوْسَبِهِ دَرِ صَلَّحَ ذَى عَلَاقَهُ اللَّتَ نَيْمُواهِد

كذارة ديكران السيت به منافع او بي

اعتا أي كشد

الله المراكز المنظر بود كه مداكرات

در لوزان از نو شروع شود . ولي

أين هرابه وكر عامل مهم عثما ني نحو الجد

بواد المكاروسبه در حل و المفيه فضايا

درجه اول اهميت را خواهد داشت به

و فَتْ آنْ رَسَيْدُهُ أَشَّتَ كُلَّ مُتَفِينًا اللَّهِ أَوْ

در حقیقت امام د نیا که در فهمیده

إنه كا نمى أو الله أز روسيه أمدر في

نظر كنند و در هما ال عمومي بإيداو

و أيا مبائلة عثماني آن مم داخل

و حله محد بدی شده و دو سیله و وسیله

حل و الشفية خواهد شد ، حال درايان

مرحله عثما نبي خرر خواهد كري يأ نقيم

خواهد برد _ ابن قضمه ای است که

شاید برای عالم جندان مهم نیاشد والی

برای مشرق زمین و مخصوسا ایران دارای

المميت فوق أأهاده أست

اقانون استحدام

مامين ا

الما أزيحت در ماده [١١] مايد

حِنْدُ كُلُّمُهُ وَأَجْعُ لِهُ لَفُظُ مُعْلَمُ لَـ كُهُ وَرَ بُوطُ

واین این است است کو کیم

والم در مملكت ما عد به معلم الاساول

ابتدائي و معلم كلاس ششم دارا لفنون

بهمه بالفط ومعلم بم اطلاق مي شود 🗼

و ﴿ اين ﴿ أَنَّ لَهِ السَّاكِمَانِ ﴿ مَاخُوشُ نُبِّنَاتُ ۗ

ارای هو طبقه از معلمین اسم مخصوصی

بايد فسكر إكرو نام از هم متماين

باديد . الله المالية ا

﴿ يَكُنَّى أَرَّا طَرَقَ أَرُو يَلْحُ عَلَمُ وَأَشُّو يَقَ

مع م الفاوت كذاشتن بين معلمين درجات

مختلفه مدارس است و یکی از وسایل

این کار وضع استم مخصوص ارای طبقات

مُختَافِهِ مُعلمين فرانسة بـ دُر سال سوم

القلاب ، كسر : بخبال الوسعه التعارف

إفتاداً. إِنَّهَا يِمُدَّهُ كَانَ مَلْتُ عُوْضَ خُرُفُ ــــــــ

مادرت به عمل کردند . در کاریخ ۱۲

دسا مير: ١٧٩٢ مخاس ملي [كنوا نشيون]

قانون الاسبس وإبجاد معارفوا لصؤيب

اکرد و دراین قانون - آبرای شویق

معلمين عصر الراحيات ببشنها أو [كندرسه]

The state of the state of the state of the state of

رَا دُعًا لِكَ بِدَمَنِهِ * صُرِّرُ الْأَنْ اللهِ اللهِ عَلَيْهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ الله

اخظار و المالة الله رُوز أنا مه فره وهُرُ كُه الله الله الروز شنَّهُ "انتشار "لمبافل أنَّ ابن اللهــد ووز ۳ شنبه منتشر هی شود

ا أثرات أين اقدام و بادبو دـ اشخاص بسماري بيكر معلم شدن افتا د ندك فن أ تعلبهم و ، آرببت دارای اهمیت شد ، معارف فرَّا نَسَهُ ۚ بُوسُعَةً يُهِدُا ﴿ كُرَّدُهُ خَالٌ عَبِّهِ صَرْرُ دارد الله مجلس جهارم ما هم أين خدمت را در عبن وشع قانون استخدام معلمين به شلکت بکند و ا

يعقبهم ماك بايعا شيلمين را بيعهار لمبقه لقسهم كرد ويهر طبقه اسم عليمحدة

مثلا مدكن است به معلمين عدارس وتدا ئى د أ موزنده، كفت و بعظمين دور ، اول متو عطه د آ مو زکار ، کله ، ه معلی ه ا بدهلمان دوره دوم متوسطه مي شورو ر د ومدی به همشایو بهای مدادين إمدارس عالي بدنياند .

" أن [١١] طرح ، بنائها مقابل الماجد طبقه أزا مملدين و ورجه مظاور هايتم ما سِكُو نَبُمْ عُلُو دُولِعِهِ آمَمُ إِلَىتَ المراه المراجع المراجع

🥇 زيرا معلم هر ظيفه 🗀 نا و اني كل معلم امنت 📒 مخيور است حوو احسان طمقه باشد مكر أيتكه امتاحاتات لازمه داده شرايط ورود الله طبقه مافواقي را خاضل کند ، در این سورت نقط دودرجه برای نرفیع مقام منظور داشتن ظلم دی شود ، معلمی که مجندین سال دور یك درجه باشد قهرا افسرده ويزمرده فواهد شد ه با بد درجات متعدد برای او در نظر کرفت وهر سه جهار سال بلک مرابه او را ارفيع درجه ساودر مقابل اين نرفيغ درجه اضافه حقوق ــ داد ا از كَا اللَّهُ بَهِرُونَ آيدٌ وْ دَمَاغُشْ يَارَا تَى تَعْلَمُ داشته باشد و بنظر ماباید بنج درجسه برای معلمین هرطیقه دیش ببنی کو د : 🌿 الله المرجة إن ينجم أشد درجة جمارم أسد درجه سوم - درجه دوم شدرجه اول المركس داخل خدمت معلمي شددر

درجه پنجم قرار خواهد کرفت 🍇 ﴿ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّاللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ خَالَىٰ شدن جا بدرجات بالأنر نايل خو اهد The same of the sa

الله الله الله الله الله المرجة الدرجة المراجة الم فوق الرائقا حواينه بايد لا اقل سه سال قرر درجه مادون خدمت كيند مؤلئ ببشاز پنجمال نمېتوان در بك درجه ماند . معلمینی که پنجال در یك درجه ماندند قانونا بدرجه مافوق الزفيع ببدا مبكسند ال نقاع أله نبكدر هو درجه سهسال خدمن اسامي مخصوص وضع نمود ، المناه المركرده اند مربوط با براز لما قت و خالي

شدن جا خواهد بوده ابرای اینکاحدودی برای مردرنجا معين باشد بايد قبد كرد ك مثلا :

عده . معالمین درجه . و مجم ٣٠ درسة كأبه معلمين خُو اهد بوُّد عده معلمين درجه جهارم ۲۵٪ ه

عدم أمامين مرجه شوم أأكا أأ علم معلمين أدرجه دوم ١٥٠ ٪ عده معلمین درجه اول ۱۰ ه

مقصود از (کابه معلمین) در مورد مدارس ابتدائى عددتمام مقاسين مدارس ابتدائي بك حوزه معارفي (مانند كبلان - آذر بایجان - کرمان ۱۰۰۰) وُدر مورد مدارس متو سطه و عاليه عده امام معلمين مدرس متوسطه وعالمه ايران

در این جا است که طرز انتخار

فأديران مدارس فالوم مبشود بعقبده مديران مدارس بايد فقط از بين معلميني انتخاب شونه که در درجه دوم یا اول باشند . فانی که در فوق د نو کردیـم كم و ببش از قوانين استخدام معلين فرانسه - كه نقريبا از حمل سال قمل

فإين طرف وضع شده الارا قشايي شده " فراقسويها إن از بك قرن أجراء در قانون كداري راجع بمعارف سالاخرة يك قرعه ولدى شبه به 7 نجه كفته شد برای معلمین از نبی داده اند عل سلم نما مبكوية أز لجربيات أنها إنهاد كيور اعل

وارالورايي ا

علامه مذا كرات در يوم شنبه ١٣٠١ عرب ١٣٠١ مجلس دو ساعت بظهمر در احت رياست آقاى مؤابين الملك التكبلاند شود مر حورن منا لفي نبود مطرح و آقاي اند ولي درا بن بو دجه لقر با مهره او مان

بعد از مدت فا نو نی دیده و خون مو افق قانون نه بو د حالا ديكر منخا لفتي ندارم حون ديكر مخالفي نمود نوكالت ایشان از مثهد آخذ رای شده و نمویس

در خصوص پیش آباد الی که در جانبه قبل از طرف وزارت مالسه شده و القاماي فوريت شده بود آقاى وزير ماليه اظهار داشتند که متصود من از فوریت یك شورآستوبنا بواین از طرف آقای ژبس بشنها دات مذ كوره بكمميون ارجاع شده المناشد كه زودار رابرت آنرالهمه القدام امايند

آقاى وزير مالمه درخصوس بودجه

بار اظهار داشتند که حون وزارت البه

أزم است در آينخسوس اطلاعات كافيني اری بعرض مجلس برسا ند و منوز آن اطلاعات لكميل نشده إست القاضا مي كنم دستور أمروز خارج وحزء دستور شبخ الاسلام أصفها أي اظهار واشتند که این ممثله اشکالی نداشته و بعلاوه طرف زفقاي من تبوده است و خود فو ات براى اطلاعات كافي ثري بن لابيعه آقاي نصرت الدوله اظهار واشتند در اینجبوس از طرف مهیکس اشکالی يو ده و اسرداد لايحه از طرفوروات محل إشكال است درسور لبكه مخا لعتى نبست

دلبلی برای استرداد انتمازد آقای د نبس الوزواء اظهار داشتند که سوء نفاهمی در این قضهه نشود ـــ ابن لايحه را دوات مسترد المبدارديلك برای کب اطلاعات کافی ازی امو یق بات روزه آن از طرف وزير ما ابـــه لخاجًا البيش نهاد مجلس شده است ك ابن بو دَجَه شده أست ه بو دجه معارف مطرح - آقای شیخ است - در موقع بو دجه اعتباری آن اعتبار الاسلام اسفهاني در كلبات منااني و اذ روى دقت و ملاحظه الهبه نقده مود أظوسار داشتند كه در سأل كذشته المهمين مناسبت با كمال صرفه جو لم الى یات چهاد دیوا دی در اطراف بودچه آغای فتح الدوله تناسا کردند که اها گذاشته شد وزارت خانه هاهم در روی ا مقداری علاره بر بودجه جهار دیواری اعتباد فامه آقى قرام الملطنه مطرح العمان زمينه بودجههاى خودرا لهم، كرده العبين شد و جون تصور مبسرفت كه ان

مديد الملك اظهار فاشتند كي معالت علاوه شده است عليمون والجربمماري عمان عمل شده است ه آن روز من مبنی در شکایانی بود کدر است من حر فی ندارم و ای مبخواهم حواید اللاج بخلیه بود و چون بدوسیه ا به بهنم که این مبلغ اضافه در بودچه که فرامودند زیرا ۱۶۸ هزار او مان برای انتخابت كه دير كسهوي بود مراجعه منظور شده است كه بعد از نموب اجرا كردم معلوم شدرك شكايات مذكوره شود يا انكه بمصرف رسيده يو در سال

و دو مرك) مجددا أز ديك او آمده كفت:

خورب ا آقای او پن ؛ جرا آمات و امتخبر آمانده

كذشته ١٣٥ هزار لومان بنام معارف لایات در بودجه ما ور شد. است در . لبكه بكشاهي بمصرف ترسيده المت دُ این بودجه فقط ۱۸۶۴ نومان به

خصوص لوجهات مخصوصه بشود

نوشته مېشود بايد طوري نوشته شود که ما بفهمهم مثلا اینگه نو ته شده است انب تبتو ستور يالا برا لوار من أنمبدانم كهابن انستبتو ،استور _ مهما نيخا نه است ـ قهو مخانه است بااصطبل خوب است أينها رآ

آقای و نمش فرمودند که باید اصدیق کرد که آقای شمخ الاسلام همیج رى إذ أنستبو باستبتو ر أنداشته و واستور را نشنبده اند در شور نبکه پاستور یکی از اشخاص بزرك و ایکیاز خدوت كذاران نوع بشر هو ده واسمن شهره آفاق است و من العجب مبكنم كرجطور اللُّتُ كَمُ أَيْثَانَ أَسَمُ مَثَارًا الْهُ وَا تشنيده اندوا كيهشيده بودندا نستبتو باستور ا شبه به قهوه خانه واصطبل نميكروند

ولایات نقاضا شده و مر کی یا ولا یات آقای وزیر معارف بدوا بد نات نېچ فرقى ندارد آقای و بس وا با بهدو در خموس بودجه اظهار هاشتند که این بودجه در زمان نه ينكه بكويم خوب نبيت أو الي المنه كابينه آقاى متبر الدوله بيشنهاه يك نواقسي دارد كه بايد رفع شود... قدر کابینه شایق هم در خریان در عاله هم هما شا کردند که جون مُو اَفْقَتُ ﴿ كَا بَهِنَّهُ ﴿ فَعَلَىٰ ﴿ يُعَلَّمُ موازده دُورْ بَبِشتَق به اول حال نما ندو ومجلس شدم است سي ابن بو دجه ست و باین بو دجه نقر بیا عال شد. خوب ات کارود او اصوب کردد ہے مبرزا مر الني عقبده داه: له كاوزارت خانه بایدی دد حدود مران اعتبان ردجه خود وأ لهبه نمايد بعلاوه اين كه شد كفايت نكرد و باين جهت يك مقداري كه براي الم لأت الخصيص داده عده که افت الله الله فعويب مجلس خواهد كدشت مطابق

خوب است بنهر از بودجه مدارس مرکز ما بقی به کستبون امرکردی ادا مطالعه كاملي شأبيهو مجددا تقديم مجلس Mark Comments آقاى نصرة الدواء اظهار داشتند

له این بسو دجه راجع بسالی است که خود و ویکتوار ، را آشن خانه من أموده و

كذشته و المام شده است ما هم موافقهم للفون روقه بنويه خود كوشي داور داشت و كفت

بُوسَهُلَهُ أَوْ دَرُوْ يُنْجَرُّهُ مَنْزُلُ مِرَا بُرُويُ "خُود بَازْ كُردُهُ ست و من مُنداند تم کروی صورت وبست و هفت ری ، او بن را بسوی من می کند . فقط م نظر بدار أو أبودم ؛ أنا أبن كه أمرور ساعت ملاقات را رسيد م حالاً جناب لوين سلام علمكم الما او پن باز هم جوابي نداد و دو درك عساعت د را از جب بهرون آورده کفت: آه! آه

بُستُ دَقَبِقُهُ بِبِشْتُرُ نَمَا نَدُهُ أَسْتُ الْسَاعَاتُ عَهِ زُودُ مبكذرند! اكر اينطور باشد ، سكمان مبكنم وقت رادهم نداشته باشهم المهال المسائلة المسائلة المسائلة

آنوقة مجدداً به أو بأن از ديك شده أظهار

لوین باز هم اعتناعی نـکرده جواب نداد

مصرَّف معارف ولأبيات مبرسه دد خصوص مدارس ندوران هم از ری که من شنهاره ام اسماب نکرانی ست و انظیمات عالی و خوب ندارند مخصوصاً من اشتدعا دارم که در این دیکر اینکه منا ای که در این جا

طورى بنويسند كهما بفهمهم م

اما دو خصوص ولايات انطورنست ولايات بودجه منظور شده البته يك مقدار يهم اهالي كمك مبكنند ــ اكر يه

مقايلاليكن أن

از یك طرف بی قبدی و لا ابالی كری اها ای از طرف دیكرستى و بی دوامی مصالح ابنيه و عمارت المام ممالك مشرق زمين را بصورت خرابه در آورده --و لی در مبان امام ممالك شرق هبچ مملكتي دلل ايوان مخروب و ويوان تبست در این مملکت خانه ها همه فرو ریخته ــ وچه ها همه خراب و لجن زار کاشی های مماجد و مقابر شکته و متلاشی ۵۰۰ میل این است که ملت ایران در اخرین رجه أنحطاط و فلاكت باشد

و ایران امروز ، النف (او ژن او بن) فرانوی

این واقعه که انقلاب ایران بان میکویند سرکتی الت از طفیلی بازی نبود خبر: ملت زارع ایران برعلیه طبقات ایکارهٔ که برای از دیاد تروت مملکت حبیج فایدهٔ ندارند و باحاصل کاردیکران زند کے می کنند یعنی طبقات طفیلی طفیان

این واقعه معروف با نقلاب و وقایع بعد از آن مبیج کدام مربوط بمجنوق منافع الله فيود - همسج كدام باسراف كارى هاى در بار استمداد وبط الدَّاشَتُ وَ الْمُدَارِدُ شَعَادِتُ وَ أَنْ فَي أَيْرِاأَنَ مُنْظُورٌ أَنْهُ وَ أَمْنُ عُودٌ مَا لمام این خوادث و این فریاد ها برای حل بك مداله است و بس: منافع این اسول و از ایب و حکومت حق کیست ؟ حق طفیسلی ها ــ اما همه

اما در خموس مسارس نسوان _

دو بكتوار برار ه

ین مقد از برای بك مملکت به این که واجع بولایات او د به ایمتری متعلور نود اما این برای سللی آنیه آیت نه وسعت كم است واليحتي المقدوراست و رای امتیال که کدشته و نمام شبده برای سال آله بك مبلغی علاوه برای

منافی بودن مذارکره بدر کلیات و مخول در شور مواد اخلد رای شده بادم اول - (حوزار معاون و

قاف و صنايع مينظو فه ساليانع دوره

عدم فورب بها المرابعة المرابعة

آقا مبرزا مرانتي مينالف يوعليده اشتد كه نوق العادم مامي ميه ومان این جا معنی ندار د اگر مقام است که العادة الازم نبيت في الكر الشعفى

آقلى وزير معارف اظهار داشتند كه ببش نهاد دو لتهمان سهقرار نومان وده است منتها کمکتبون اهی سی نو مان أنادا تطور فوق العادة مقرو داشتهاست و این برای این بوده که باسایر مدیران

ا نمره ۳٤٠ _ ٥٦٥ را بدميد

﴿ اخلاق خالمه داده و اظهار مبدارم با الآدره شوهر خوب مرديث كا موافق قوا نبن مذهبي كه جامع أخلاق و كردار نبك است و فتار زما يد

دَمُ ايْنَ مَادُهُ مُعَالِمُنْ تُمُودُ أَخْذُرُ إِي

ماؤه هوم = مديركل حاليانه و و مايان بان المائة ا

است. كه جدا المعمن ميشود

[إرنس الكندي] الحَدُ وَاى شَدِه صُوبِ كُرُويْدِ ﴿ رَاى كُرُفْتُ وَ الْمُ الْمُونِ الْمُونِ الْمُونِ الْمُونِ الْمُ

الم مقالسة

ماد مسوم الله عليه ما لبانه ١٠٩٨٠ ما م جهارم الداره تقتيش سالبانه المان المنان وشيل فران المنان وشيل فران الماسيد فاخل عقيده درشتند ك كابينه وتعايد على بك لمدوده. باشد خوب است يك از معترضين اظهار داشتند كه استبس بك جو ئى شده بمصرف مدارس برسد . في آقاى وزير معارف اظهار داشته ازا جزو بك إداره ديكرى نمود الله كاقانون اشكبلات وزارت ممارف أذمجاس كذشته است و مشكهلات ابن وزارت اخذ راى شده اسويب كرديد عناته هم عطا يق همان وانون است اكر و اوقاف شالمانه فوجه مبكر دند اين و اوقاف شالمانه هوه اومان

شوهر خوب

الله ﴿ قَالَيَ مَدَيْرُ مُحَدِّرُمُ ﴿ يُعَلِّمُ أَيْدُهُ بِاللَّهُ لَا يُنْ صَفَّاتَ خَمَيْدُهُ كُمْ شُو أَمْنشاء

حمات نهك است اخلاق بالديد، و روش نهكو است بديدي است مردي كا داراي

الخلاق خوب شد هر كر بافعال و حركات زشت خود را نها لوده و كرد هوا و

و اخلاق رديله تخواهد كت - اكر لمحة بالظر دقت در أين كلمه جا معه

(اخلاق) غور و أنعمق لما أبه أنات و دقايقش بخوبي بر ما مكتوف خواهد

كثت ــ البته كرى كه داراى اخلاق خوب شد جميع صفات خوب در او خميم

خواهد بود ـ تهمته منده شوهر خوب مردى است كه محبت شميما نه نشبت بزن

اخلاق هو چه نهكو، قر پانديده باشد أبدا تتابجه نخواهد داشت ، اين جا است

بدي مايه السف بواي ما ندوان التربيخ الله السف بواي ما ندوان التربيخ الله

و مدهایش را بتبوت رساند شاید شدوال فرما آبد خرا ؟ اظهار می کتم بعات

این که در مملکت ماآزدواج ممثله برد و باخت است ممکن است پس از عمل

از دواج دختر و پدری همدیگر را خواسته و مجبتی در ببن او لبدشود یانشو د

البيتة اكر طرفين يك ديكر وا بنظر أبي مهرى بنكر در مرد هر قدر مستجمع مفات

أَمِكُو وَ يَعْنَدُيدُهُ بَاشِد حَوْنَ إِنْظُرُ بِي مَمِلَىٰ لَكُرْيَسَتُهُ مَبْشُو دِشُو هُرْخُوبُ مُحْسُوبُ ليخو أهْد

كُنْتُ بِعَلَاوِهِ اخْلَاقَ بِسَنْدِيدِهِ اسْ مُسْتَهِلُكُ وَ حَبْرِ يَكُ شُوهُمْ بِلَدُ اخْلَاقِي مُعْرِفِي

این است که عقبده خود را باین دو کلمه مطبوع و شبرین (محیت و

🥻 آقای وزیر معارف در عوان کی

وزير يك وزارت خإنه باشد و نمبشو د آن

ر ماده ٥ ــــ (دازه محاسبات معارف

حون در محبط ما بشمار نا در است که زنی بتواند جنین ا دعائی را نموده

﴿ خُودُ دَاشَتُهُ وَ دَارَاى أَخَلَا قُ نَهِكُو هُمْ بَاشَدَ حَبُونَ كُمَّ ا كُرَّ مُحْبِّتَى ذَرِّ بَيْنَ نَبَاشَدُ

که متاسفانه ایابه اظهار بدارم زنی بد بختی :

معد منا كرم كافئ و أخذ راى شده | اين اداره محاسبات باطرز وملبش كه آقای زنجانی پېش نهاد کردند ا مېشود ويا برای نهمه تودجه سه دفعه که در مابقی مواد مذاکره نشده و بطور مورث مبدهد که هبیج کدام با ایکدیکر كلى أخلة واى شؤد و يش از لوضيع إ الطبيق نميثود بدرد نميخورد الساليانه هادن آقای دئیس فرمودند چون این این قدر مسارف برای او معین شود از آزا خواهد پرداخت است این جا است از طرف دولت اسو ب

ال خاود بكذار ، بعد ماجا مه دان بيما بخما بان

المستادة و أ ويكتواراً ، هُمْ دُرُ الومو بَبِلُ است ،

ور آنجا منتظر باشها نامن هم بهایم ، و حطور

لباسهای من ؟ خبر "، لازم نبست ، آنها را بكذار

ديكر بمن كوش بده !

كوش أبده ا

مس و فيكتور هو كو ، الوموبيل من آنجا سردوراه

نظريات وزراء در مورد بودجه النهبر ممكند و اكر لنببراني ببدا شداماست بمناسب لنببر وزارت بوده نه چېزديكر بغلاؤه أدرابن بودجهرعابت كمال اقتضاد شده و این کمترین بودجه ایست که ممکن است بزرای بك اداره محاسبا لي معين كرد که در هرصورت این بُودجه کذشته و عمل شده است برای سال آ لبه امیدوادم

كه السلا محاشبا أي درؤزارت خانها موجود

الله الله الله الله الله الله المداكره الحدد رای شده اصویت کردید برای این ماده لا 🕮 اداره معارف سالبانه ه ۱۳۵۰ م

. لومان • وري ١٠٠٨ روي المسالة الم آقای وزیر در جواب آقاشبخ اسداله.

اظهار داشتند که مقصود از ضماط در ار فومان و برای از این از از این این از ابنجا منشى كرى دوم است وبابن دابل است که اختلاف واقع شده است مذاركره كاني و اخذ راي شده المويب شد إلى

ماده ۷ -اداره اوقاف ۲۲۰ او مان مخالفي نيود اخذراي شده لصويبشد ماده ٨ - دايره الحقيق سالبانيه آقا مبرزا مرافق مجددا أظرار كُلُ لَيْفِيضَ نَشْدُهُ فَاشْدُ مَذَا كَرَاتُ كَافَى وَ ﴿ فِيشْنَهَادُ مِخَالَفَ أَنْكَامُنَا مَهُ أَسْتُ نَمَى شُودٌ ﴿ وَاشْتَنْدُكُمْ بِنَامٍ فَوَى العادِهُ نَبَايِدُمَى حَقَّوْقَى داد و آقای هاور اظهار داشتند که کدان الدو له اظهار داشته که را بوت آن جدا مبكيم ابن مُعَلِّلُهِ جَوَابُ داد، شَدُهُ آمَاتُ إِلَيْ تَعْدِيمَ شِدْهِ الْمِتْ عِلَيْ آقاى رَلْهُنَ یك بودجه در سال كدشته بطوراعتمار فرمودند خزع دستون میشود از مجلس گذشته است که در موقع عال است یا آقای رئیسی الوزوا اظهار داشتند ثايت شد اشخاص لايق حاضر نبستد لم ل ي كه خوب ات بكه بيون الفظا الملاء عائره البند و باقي مسارف آن سرف اداره آيت كه بايدتي در لحد نظارت ل آن حقوق كار كنند و عالب اشخاص إ هامه شوه كه باحقود دوات اشكال شده كه بودند الحلاع دارند و حتى سهيهار او مذاكراني بشود

فنن از اشخاص مبخواس ندرخارج شوند ا آقای اس فر مود فد کاملاع داد ور این باده هم مذاکرات کافی و ا باین مناسبت یك اضافانی بیش نها بشد میشود که زود نوه نیکهای عود و کمت بون اینطور در نظر کرفت که این آفای ارباب کبخدو اظهار داشها آنیا را باسم فوق العاده منظور دا د و ما ز الذكر مبدهم كه ده روز ماخر اظهان والممق نسوداد ما الله الله الله الله على الله الله عقيده وشيد كل سال أبيت را في ندانده اوا بن بودجه مم عدل شدهو خرج شده است ـ هر نظر بكه النهادنه مي كنتلد جبـت آقاي وزير مالمه هدت بایدی برای سال آنبه الخادشود ما هداند خوب است عجله با رمانبد که آقای وزیر معارف اظهار داشتند ا زود آن بنتجلی بباید ا

بکافی بودن مذاکره و خود ماده آقای وزیر ممارف اظهار داشتند الغذ دای شده المنویت کردید كه تعمين بودجه بانظر وزير استواليته ماده ۹ سن دفتر شورای عالی معارف سالبانه ۱۲۰۰ لومان 🐇 🗀 آقای وزیر معارف در جوابیکی از معترضين لوضهج دادند ركداين دفتم اى عالى معارف مطابيق قانون لشكامل مرک است از یك د تیس یك منشی اول یك منشی دوم یك تبات و مطابق

آقاى نصرت الدوله اظهار كردند

دو اصلاح که یکی اسدیل (دفترشورای ا لى معارف) باشد به (دار الانشاع شورای

عالی معارف) و یکی هم قبد اینکه از روز السبس ألمحاوب و الرداخت اللي شود) اخذ رای شده و صویب شد ماده ١٠ - مستخدمين سالمانه٩٥٥

اثل وزارت خانه حقوق آأنها منظور

پ پس از مختصر مداکره در ماده با

خده است مین این مید

چون مخاطفی نبود اخد رای شده الصويب كرديد آقای رئیس فرمودند مابقی مواد مبماند ورای فردا

دستور فسردا اول زابرت سميتون بودجه راجع به بودجه سلطنتي تانشا بو دجه معارف معين كرديد الم مبر سبد حسن فاضا کردند خدرج المحمل موانني خان كاظمى حم جهزع دستور شود ہے۔ آقای نصوت

که اذ قراری که مشوم زاجم باهالی ارومبه حندی است کهدر وزارت مالیه المهوي شده است و علت آين كه بيش

احارسمري شبخ محدود معدوم شد

شده است که و پرداخت شود و پیشنها د

دیگر که راجع باهالی ارومیه است در

ظرف فردا ويس فردا لقديم خواهدشد

که مقسو د من گذراندن بو مبه فعلی لیو د

قسو د مان دور اساس قشهه ر بو در مجلس بك ·

ربع بعد از ظهرختم و جاسه آ ثبه قرها

قبل از ظهر معین کر دید

آ قای از باب کهخسر و اظهار داشتند

روز پنجشته جزء نجهبز عدهشبخ محمود کردستا نی را بمرش قبار ثین محترم رسا بمديم إينك بمؤجب خبري كهروز كذشته بمركزوامل شده است ايزويلن ای جکی انکلیسی بشهیخ محمود وعده حمله نمو ده مثار البهارا بمبار ده فهو دُّهُ الدُّورُ أَنْهِنَ الْجَنْكُ شَهِجُ مُحِمُو دَمَّقُتُولُ کر دیده است سید المراب المار ويد المجار

رز بنج شنبه آقای محبی الدین شا وسفير و كسير دولت عنما في يده لحادية نجار رفته واز هبثت المعادية باز ید بعدل آوردند بطوری کاطلاع حاصل شده است. ان کابه همتجالی که پس ان رور معزى البه ديدن كردم الجدياق دید. دو پیمرا کو دسیمی، آن علی شواهدا نبو د چې چې پېښون

روز گذشته بعداز نفی د کنتر مبلسی أبس كلما ليه بمجلس شوداي على ورائ دادن او خیرها تلافیه در کمیلولا و الله

ر دروزایت غاریه ۱۱۱ ، روز کنبشه بعداد ظهر [دیلیراس] مترجم اول شفارت روس، يوزادت ساريه ومده باقاى انتظام المالك معاولون وارت خارجه ملاقات نسو ده و مدنی متعول (مذا كرات بودند

کرو در للکرافخانه در إداره للكرافخانه همه تناله دوازده هزار لومان که معادل سه تلك حقوق اجزای آن اداره است برساعیدی بین اجزا همیمی شده است از قرا دی كه باجزا اطلاع دادماند خبير السلطنه به و لت بېشنها د نمو ده است که عبدي بر داخته نشؤد لذا روز كذشته كليه اجزا متجدا

در مقابل طفل مدام (مرزی) کلید آنها را

﴿ دُوبُوكُ ﴾ با كمال أمجب كفت : عجب ا

كفت : البته ، من يقل دارم وكه ا برامت

عجب أ يس معلوم مبثود كه نو خبلي لا به اينكار

بيو مسترد سادم ، ا

سن ثلك بلور

ا زعلات ا را نوبن ا بمرون بالدانى و فكرى براى مدستانت بكراي .. عجب سنكي در آب انداختم ! قورباغه ها مجبورا ا أزهر طرف فراد مبكنند. أاسى دقيقه ديكر بايده ال خر کوش فراد ،کرد و خود را از خنك پلیسها حما نهيد. عجب مفتحك است ا . . . خوب (، لسو نہوس) ، جالا اقدار کن که از عهد، (دو برك) برندی آئی، مکر او نبودی که یکروزی هم پشت ابن پر ده مخفی شده بودی و د د در ده الله إن أيادا الله كالم المسيكرة وما وكدال المعتنى کلمات المسافر آ مین (الدیزال) راشنهد، را بروی خود نمی آورد . این دومین دفعه بؤد که مغلوب و كهلشده و مجبورا مقابل اوسن بزيرا نداخته بود . بأطناء بمبار غضبناك والخشمكين كشته وأشمايد هم ﴿ حُدِينَ مَنْ لَبُهُ أَفْسِهُ إِنَّ مِنْ لَهِ أَنَّا وَمُ خُرِيفٍ } [الخالق کرده بود به والی، در آنموقع خونسر دی بهتران دان ي جاك و جدل مبتوانيت او را از مهلك برهاند :

اید ، آخر محر فی اورنبد ! شما ، کمان کردید که من حون دوعبنك أبجشم مبكدارم بكلي كور مستم کمان کردید که لوین را از (پو او نبوس) و (پو او روس) را از آن آقائی کسرزده در له آلزبه ارتین ارد مبشود ﴿ لشخبص اسدهم ؟ اكرچه ؛ من فورا نتوانستم شمارا بشناسم . وای مدلی بود که مسی انستم . غبر از) پلبس و أماد ام (مرزى) أيك نفر ا دیکر هم در کار های من دخاات دارد. كريكم أز حرفهاى زن دربان و تعضى استنطا وات که از آشیل خود (ویکتوان) برکردم به مقمود نزديك شدم . وفت و آمد هاي بمموقع آشيز المجموما داد و فرایاد شه کذشته، که شاید

شما در، آنموقع مرا خواب مي بندا شتبد .

بن آنم واداشت گاز دنبال (مادام مرژی)

المام كهاس ازوا قعه و آنكن ، و حبس در بلبر ، مادر بهجاره

به رئیس دردان پنام برده . • • او هم همدست

لرد : این طور که خملی بدارات ۱ من لوین طور دیکر نمور می کردم اینه این زودی از مبدان در رفتی ؟ بیجاره ! بهایك كهلاس آب كوجه (شانو بديان) واز آنجا هم نا (سن ا بغور المرحال جا يبايد ١٠٠٠

الله الله عزم مخصوصي . كه استادي و مهار الله را در اجرای نقشه هایش نشان میداد ، نزدیك

و فتهکه ندر و مطلوب واکرفت با آهنگی ملایم و كلما لي شمر ده كفت أن آل لو ! ٥٠٠ من ﴿ كُوحِمهُ او اوريان ، هستم مده و آشال ، او عستي آري منم ، اربابت ٥٠٠ درست كوش بده ٥٠٠ و آشيل ، زود بایستی خانه را خالی کنی ۵۰۰ آل لو ۹ ۵۰۰ لى همين حالا . . . پلېس نا چند د قبقه ديکو مي و و من خبر ، خبر ، نترس ، خبلی و قت داری كوش بده المرجه مبكويم انجام دهي حامه دانت عاضر است ؟ ٥٠٠ خوب ٥٠٠ زود به اطاق من برو مقابل بخاری لوقف کن عامه بادالت جی کل بوله رًا که روی دیوار خلو بخاری ا کیمساخته اند

فشار آیده ، و بادست راست همکل و بو له زیر بخاری

فشار بها ور در آنجا یك کشوی خواهی دید که

درست کوش بده . . . در بیکی از آن

جواهرات است ، آنها را ترداد ودر حامه

دو جعبه کاغذ های من و در دیکری اسکناسهای

الله عنو الله عنوان الله المناه المناه المناور المناور المجر تني ببدا كرده است ! المنافقة المن الوين بازوى او را رها نكرده و جون ديد

مهخواهمه خود را از دستش بدرا بره کفت أوس و باهم نزاعی نداریم از خرابکردن بکدیکر هم فائدهٔ ای نخواهیم برد . فقط باهم جد کلمه حوف مبزنهم . كلمات من معلوم و معين است .

اهن مبكينم مطابق سنوال حواب بدهي ـ اول ا كرفت و در خبال بودم كه بصورت ديكري نزد بكور به "بېنم طال كېچا ، است ؟ حجواب داد ؛ نزه من است . کفت : او را بمن رد کن . حجواب داد : ممكن قبت ،

الله المال آرامي كوشي را بجاي خويش 🔆 ممکن نہمت 🔹 🐩 🚉 الله الله أن بازوى و دُو بَرك ، زا كرفت و او را دوی صندلی بهلوی خود ، نشانهد کفت : حالا 🦈 كفت : بنو مبكويم اكر طفل را ندهمي خوفش را ملاك مبكند . ﴿ وَ وَ بِرِكَ ﴾ زير أب كفت : حالاً ديكريس

ملاك نمكند ، كفت : او مهمل مبكو ني جو نكه او امروز خودش را مسموم کرده.

كفت: "بادام (مَودَى) خودش را خواهد

😁 خواب داد : من هم می کویم ، خودش ر

جواب داد : من بعد خو درامه موم نخو اهد كرد الله : إلا الأخر و طفل را مبدها ؟ ، جواب داد : خبر الله الله الله

الوين دقيقه المل وده بعد كفت : من مبد إنسته از قطا این جهل و پنج پارچـــه ، بهترین و . ایاس د کتر مرورنس از او خبزی نمیشود كرانبها لزبن اشباء مدروقه است و من حا ضومه

﴿ وُرْسَادُ : الْمُعُورِتِ لُوبِنَ ؟ ﴿ وَاللَّهُ مِنْ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ جُو ابُ دَاد : آدى ، من خبال داشتم ، - إز صُورَتُ دُ كَترى خارج شده ، خو درا أَبْتُو بَدْناسا نم خوشیختانه لوخودت مراازمورت د کتر (ورنس) ا بېرون آوردى ٠ الله الله الله ﴿ آنوقت لوين كبف بغلى خــود را ببرون کشیده از درون آن یك صفحه کاغذ در آوردیه (دو برك) داه و كفت : ابن صورت صحبح و نمره دار آشهائی است که من و رفقایم از خانه ببلاقی او در دیده ایم م هما نطوریکه مشاهده میکسنی كلبه آنها ١١٣ بارچه است . از این مدو شهرده. پارچه شصت و هشت پارچه اش ، که در روی ، این کاغذ بأمرک قرم علامت گذاشته ام ، فروخته و به آمريك فرستا ده شده اند و بقبه آنها كه جهل

الروايع والمراد المراد المراد

برسمبت مبشناسة وهمه ماغه بك دوازدهم كه آنجه كه راجتم به مغرزى اها الى ارومبه

رُأُكُ) به مادام (مرزی) ناسد ، مادر بی حاره حتما خودش را خواهد کشت . إرسبد: اكر خودش رابكند بتوبسبار سخت خواهد كدشت ؟ كفت: مقصود ارا نتبغهمن و حوابداد : همج ٥٠ ٥ ٥ ميخوا ستم يكويم کے ما دام (مرژی) هنوز هم حوان را زیبا اوین شانه های خود را بالا انداخته کفت: حه میکوئی . نو کمان میکنی که همه عالم مثل و ينج پارجه است . نزد من مو خود مبها شد و

لو سنکدل و بی زحم هستند . خبلی اهجب میکسنی که دردی مثل من وقت خودش را سرف اینکونه عمليات بني فائله مبكند ؟ ملبون فرانك

40A.498

474.441

214.400

43P.Y40

7AV. 770

948,440

1.0.1.4.4

with the last

July 11 19 1910

1414

141V

. the 1919 1 1 1919

مشار البه اخطار نموده اند که کراجازه برداخت عدمی رااز دولت نکسرد اجزا بکلی اعطال و اباب مینا درات را بالمره مداود خواهند نمود

انتخابات وزارت بمالبه
آقابان ذیل از طرف وزارت بمالبه
انتخاب و احکام وسمی آن ها صادر شد
آقای کمال الوزاره بسمت بهنش
وزارت بمالبسه ــ آقای مبرزا محسن
خان کرانمایه به ریاست بمالبه یزد ــ
صدیق الدو له ریاست بمالبه کلایکان شدیم

پرداخت حقوق ا حقوق اسرج حوت احزاء وز

حقوق بسرج حوت اجزاء وزارت ماابه روز كذشته برداخته شد و مقرر كوديد كه باجزاء جزء از معل جرابم معامل نصف لحقوق ماهمانه آن ها ارسم عمدى ناديه كردد

از طرف وزارت مالبه به آقایان دمایندکان آذر ابیجان اطلاع داده شد که امروز دوساعت قبل از ظهر بامه تر ا جفنی و قبس ناابه آذر بایجان ملاقات دموده و اطلاعات لازمه را پاشان بدهند دموده و اطلاعات لازمه را پاشان بدهند

و بقرار اطلاع واسله میها کمه مدیر ووز نامه حقد کرخت نداشته و محاکمه قاجع بدیکری بوده است در داخت مطالبات و حقوق

روز کفشته مباغ ده هزار نویان از بایت حقوق عقب افتاده اداره نظمیه از طاوف و نبس کل ما آبه پرداخته شد او حقوق برج حوت آن اداره هم در ظرف همین هفته پرداخته خواهد شد طرف همین هفته پرداخته خواهد شد

از قرار اطمه الاعلى كا از سفارت كراي ايوان در همكو دو از از الباع ايوس موسوم به جميعه كا وار از الباع قبل بخاك ابران مهاجرت تساو ده اند الما شما و ده اند واسطه فقر و يربياني در موقتي كه ووسه در موقتي كه ووسه در موقتي كه مهاجرت نمود، اند كادر آن جا مينول زراعت و رغبتي يووند

نقاضای برداخت حقوق از طهر ق وزارت داخله بوزارت ما ابه نوشته شد که باداره ما ابه فارس امو کدا امر نمایند حقوق معوقه امتیه فارس فا برداخت نمایند

راجع به انتخابات المنسه وزارت الراست وزراء بوزارت داخیله امر شد که برای انجام آمر انتخابات اقدابات مقدمانی خود از به فوریت انجام نمایند

از طلرف وزارت داخله مشغول نهبه طبع امرفه برای مرکز وولایات فی باشند

وحا كمه

و قا مبرزا علی خان سهبلی مدیر و و زامه امروز ایرن جون دو اید درست و ا منهم ساخته بود باینکه دو اید درست می کنند دوا ساز ها اقا مه دغوی کرده باودند لذا پس از نحقیهٔ سات مقدمانی یک ساعت و نیم بنروب شنبه محکمه جا ای عمولی یا حضور همت منصنه و آقای معین الاسلام دوا نماینده یارکه استیناف و و کیل دوا

نَّه نويس أَلَّهُ أَمْحَكُمُهُ خَطَابُ أَنَّهُ أَمَا يِنْدُهُ

مُدعَى عُمُو مَيْ أَسْمَمَا فَي نَمُوْدَ كُهُ ﴿ دُعُونَى

خُود رَأُ الحرَّج أَمَا لَبُدُ كُلُّ بْمَا يَنْدُ مَدَّعَى

عَمَوْ مِي خُولِ أَدَاد مدعى عمو مي استمناف

ارای مندرجات در شماره ۱۷ و ۴۸ نامه

امروز ایران که مشلو ایت اداره کردن

آن رمهده مدعى علمه است مندر جات دو

شماره مزبورٌ بر علبه خبداً على از دوا.

سَازَانَ أَسَتُ كُمْ مِرْزًا عَلَى خَانَ رَائِشَتُولَ

مَادَةُ عُهُ وَ ﴿ ٢٧ قَا نُونَ مُطَبِّرُعَاتُ ذَا نَسَّهُ

و مـ توجب معاكمه در معحكمه حنائي

نَبِرَ مَى داند و أز يُبتكاء عالبه حاكمه

نقاضاًی عطف الوجه و شعرا کمه المعزی

محكمه بمدعى خصوص في دعوى

خود نان را اقامه کنید 🐧 🎎 🍇

ا ج ب لابعد او شنه شده قديم في شود - ا

المحكمة أمدعي عليه عدون مدعي

خُصُوشُ الظَّهَاوَاتُ خُودُولَ كُنَّمًا * بِمُحَكِيمِهُ

داده لازم است شما هم در دفتر محكمه

مُرَاجِعه نموده و در تجلسه آنهه دفاعهات

لازمه را بنما نبد الله تعبين عبليه شد

هرای جهاد شنبه ۲۰شهر رجب سهساعت

قبل از ظفر اخمار واصل شدفت

از قرار اطلاعی که لکرافا ب

وزارت داخله رسبدة:است أشراد ،بلوج

باطراف بمرجند حمله كرده متجاوز از

شتصد ناز شتر را یکه بعضی از آنها

بامال التجاره بودماست بسرقت بردهاند

از طرف د الت بایالت، کرمان دستور

أأعمل داده شد كه بوسيله اداره أمنيه

سارقين را العقبب و شتر ها را اخذ و

بصاحبا نش منترد دارند م

المال الوب المال الوب

كَهُكُلُويُهُ ازْرُدُولَتُ لِقَاضًا ﴿ رَدُهُ إِسْتُ كُهُ

بأدارة قشوني فارس امر نما ينديك عراده

الوب إلوازم أآن بحكومت الحويل نما يند

﴿ رَفَعُ مِنَا قِشَهُ مِا لَكُ وَ مُسْتَاجِرِ ﴾ ﴿

از قراری که حکومت همدان دا پرت

مبدهد تيس از حادين جلسه كمسبونو

مَدَّا كَرَاتُ نَيْنَ مَا لَكُينَ وَمُدْتَأَخِرِ بَنَ خَا لُمُهُ

يافته أنو قران دادي أوشته نشد كهالكين

فعلا از اضافه الهال الاجاره فسرف نظس

اطلاعات متقرقه

مخارج معارف فرانسه از حبث اداره و

مدارس درهفت سأل اخبرا از قرار ذیل است

که در مواقع وسمی شلبك کنند

أضاء السلطان حكاوان بهبهان و

7 7 7 4 *** 10 4 4 4

البه و حكم نها أيّ را مينمايد 💮

اخمارهاره

[ر ناد مك نبل] در طبی جوابی كه راجع باشغال اراضی بین [منبز] و [و كو بلنز و بلهای] كو بانز] و اكو او نبی الموسط بلژیك ها و فرانسوی ها مبداد چنین اظهار داشت كه بموجب همچبك از مقررات معاهده سلح و رسای یا قرار داد اراضی رن ما هور عالی رن حق ندار د اد عای حق قضاوت بر اراضی اشغالبه ادعای حق قضاوت بر اراضی اشغالبه بنماید نوخه دو ات نرازه باین همثله بنماید نوخه دو ات نرازه باین همثله نجلب شده است

للکراف واصل از دوسلدرف چنین هشهر است که قراول همای فرانسوی بر روی آلمان ها آلی که مبعخواستندخط آهن را در المان ها آلی که مبعخواستندخط آهن کرد.

وستر هاد] قطع اما ند شلبك کرد.
بك نفر را معتول و دو نفر را معتر و حکر د د.

در صور ایک در همین مدت فرانسه نو دو بیخ المبارد فرانك خرج کرد. است و بمصرف اداشی هیغروبه رسید. است

دیروز در مجلس میفوتان پیشنهاد لبدر های کار کران مطرح شد راجع اینکه از مجالس فرانسه و باز ک دعوت شو ه طر بک کمته آمر کراز نمایندکان کلبه احزاب امین نمایند الم با کمته که آز طری محلس میعوتان آنکلیس افتحاب می شود جلسه لشکیل داده و افتحاب می شود جلسه لشکیل داده و مفط راحع به اشغال اراضی روهر) و حفظ مالیات و مداله غرامان اعاطی نظر بعمل آور ند .

بنارلا جنین اظهارداشت درسور نبکه مداخله از طرف دولت بعمل آید فرانسوی ها آن را اقدام خصمانه نسور خواهند نمسود و نتبجه استدلال آغاب ناطقین این است که اراده خود را به وسمله جنگ هم شده است بر فرانسه فحمل نمایند (ر)

صاح باعثمای

اسلامبول - در طی نطق مفصلی کور آلوف بهك در مجلس ملی آنقره ایراد فمود پیشنهاد های متقابله را جع

بسلح را از طرف دوات شرح و لوضبح داد سپس سه نفسر از اعضای مجلس انتقادائی در اطر اف معاهده و پېشبهاد های دوات نمو دند و اظهار داشتندما اقدامات نبمه کاره را نمیخواهیم بلکه مایلیم کلیه قضایای معوقه بطور رعایت هخشی حل شود

مصطفی کمال داشا در طی مصاحبه خنین اظهار داشت که از موقع مراجعت زمایندگان ارائیه آفته در نظریات دو ات نغیمبری حاصل نشده و بیشرفتی بسمت صلح یا جنگ بعمل نها مده است بطوری که مفهوم میشود اکثریت نمایندگان مجلس مفهوم میشود اکثریت نمایندگان مجلس باین عقیده هستند که بیشنهاد های دو لت موجب استرضای خاطر عوم را فراهم نمی آورد

اخبرا جرائد انقره با لحن بسهار شدیدی نه انبها بر علمه انکاستان حتی بر علمه فرانسه هم قام فرسا ئی کرده و فرانسه را بسنزله نو کر انکامس معرفی و لوصهف می کنند ،

روزنامه و یکی کون و هر یکی از قمرات خود جنبن می نویسد ایند شابق می خواهد عنما نی فرانسه هانند شابق می خواهد عنما نی را ضعبف دید و شاهات را اسلاك موروشی خود چشمارد در آغاز اسلوده خاطر شده بودیم اینك فرانسه مارا ایموی پر لیکاه می کشافد ه مشرق فرانسه چیشت خود را در مشرق فرانسه دار در مشرق ما دا دولت پوانیکاره امتنان داری که ما دا دولت پوانیکاره امتنان داری که ما دا دود هوشهار ساخت و فرانسه مواهد چشمد

للافی این رؤیرا که انجاد نموده است خواهد چیمد همان جریده در شماره دیگرش می فیکادد نه ، فرانسه از اول نا آخیر عثمانی را فریب می دهد یا هو وقت عثمانی داده بود طرف دولت فرانسه بهشمانی داده بود یماد می آوریسم سرح می شویم این حقیقت روش یعنی نقض و عدم ها تبکه فرانسه داه، بود همیشه در مقابل یا

ايستاده است ، انكلستان نبن بر عليه

حبات و موجو دیت عثما نی مه تقل اقدام مبکند مبارزه این دو قوه متباین وا موقعی ادامه خواهد داشت که یکی از طرفین منکوب و منهدم کرده

فرانسه ۱۱ آخرین درجه پستی ازل کرده اینک نادیه پانزده ملبون لاره دا از ما مطاله می کند . کندند در انس او زان ما دا در مقابل نهدید جنگ جدیدی کذارد . (پ م م)

هنت نفر از نسایند کان مجلس کبر ملی عثمانی و من جمسله و کبل کردستان بر عابه بعضی نزریقا ایک در کردستان بر عابه بعضی نزریقا ایک در خارجه انکاستان در یکی از جلسات رسمی کدفوانس اظهار داشته بود که و کلای نوبتی مجلس ملی و کلای نفینی و حاهه می باشند پروانس و و کلای ملی این نفین او به محلس دانسته و بتوسط قضیه دانسته و بتوسط محلس کبر ملی عنمانی این نوهین را در این بای با کاه و مستحضر می دار در این باید آگاه و مستحضر می

داده اند که مدا کرانسیج براهههمههد مشروط اینکه همبه موصل پی از مدت مدت و مدافل باله مستنی حل و فسفیه خود و مدافل باله استقلال ملی حل شود و ادامی استال شده فورا پس ازامضای معاهده ملح لخلیه شود

البورس لندن

ويت اصلى المساع المراه الم

لبره	شلبنك	ا بنس	لبره	شلبنك	بنش	المنكى الإسلام
N.		1				رسمام بانك شاهشا هی اوران ه قرضه ۱۹۱۱ دولت ایران ه متعارفی کمپانی نفت جنوب ه متعارفی جدید و

ا و رس بادیس در ا	بووس طهراب خرند و ش
نو ورك	الدن مكتوبي ٩٠-٥٠ ٢٠٠١
اسیانی	ع المكرا في ٥٥-٥١ •٤-٥١ ياويس سويس
سویس قفره لندن ۲۱ ۱۰/۱۳	نو ورك ۲۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

مطبعه بی سفور